



گزارش

جامعه‌شناسی انقلاب، انقلابی جامعه‌شناس

عماد افروغ، مرد نقدهای تند و تیز درون‌گفتمانی بود؛ نقدهایی که حساسی خبرساز می‌شد

بسیار پر خوان و پر مطالعه بود و نمی‌توانست نسبت به چیزهایی که برای آینده پیش‌بینی می‌کرد یا نسبت به گرفتاری‌های حال حاضر جامعه ایرانی، بی‌تفاوت باشد. حالا که عماد افروغ در میان ما نیست، بد نیست با هم بخشی از مواضع وی را که منجر به ایجاد حواشی و حرف و حدیث‌هایی شد، مرور کنیم؛ روحش شاد...

خبر، کوتاه بود: عماد افروغ درگذشت؛ چهره شاخص جامعه‌شناسی ایران که اتفاقاً صاحب رسانه‌ها و خاطرات خوبی هم از او داشته و دارند؛ کسی که گفت‌وگورا بهترین قالب نوشتاری خودش می‌دانست و از گفت‌وگو کردن با رسانه‌ها و دیگر کارشناسان و صداوسیما هم ابایی نداشت. همین گفت‌وگوها بود که گاه باعث می‌شد تا جنجال‌ها و تنش‌ها و حواشی مختلفی هم ایجاد بشود. بالاخره او یک جامعه‌شناس

خداحافظی با مجلس

تصمیم عماد افروغ مبنی بر عدم ثبت‌نام در انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی، از آن دست جنجال‌هایی بود که تنها پیرامون شخصیتی چون او می‌توانست شکل بگیرد. او در زمان نمایندگی خودش، نقدهای مختلفی به اصولگرایان و نحوه زمامداری در کشور وارد کرده بود. همین نقدها باعث شده بود که در مجلس هم به او ایراد بگیرند. نکته جالب اینکه گفت‌وگوی او با محمدرضا شهیدی‌فر در برنامه پارک ملت، به این ایرادهایی که علیه‌اش گرفتند دامن زد. تا اینکه جناب جامعه‌شناس تصمیمش را گرفت و ترجیح داد به جای کسوت سیاستمداری، به قول خودش به کسوت روشنفکری و تدریس و پژوهش دربیاید؛ اقدامی که در زمان خودش خیلی بحث‌برانگیز شد و حتی عده‌ای از او برای ثبت‌نام مجدد در انتخابات دوره‌های بعدی مجلس دعوت کردند. جالب اینکه او حتی به مجلس و کارکرد آن نیز نقدهایی هم وارد کرده بود و دیگر مجلس را در رأس امور نمی‌دانست!

جنجال پارک ملت

یکی از پر حاشیه‌ترین گفت‌وگوها و صحبت‌های عماد افروغ، مربوط به حضور او در برنامه پارک ملت بود. او در این برنامه، از نحوه زمامداری صحبت کرد و مدام به شیوه حکومت‌داری امیرالمومنین (ع) اشاره می‌کرد. این صحبت‌ها را گروهی، دال بر مخالفت او با حکومت تفسیر کردند. او معتقد بود برداشته‌هایی که از صحبت‌هایش شده، «سنگ‌اندیشه‌شانه» بوده و او هوش را از حضرت امام و ولایت فقیه به دست آورده است و به راحتی هوشش را از دست نمی‌دهد. او پاسخ خودش را به ایراداتی که وارد شده بود، با این گفتار امام شروع کرد که «همه باید نظر خودشان را بدهند و هیچ کدام هم برایشان حتی جایز نیست که یک چیزی را بفهمند و نگویند. باید وقتی می‌فهمند، اظهار کنند. این موافق هر که باشد، باشد، مخالف هر که باشد، باشد.» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۰۲).

بی‌حجاب، عقیفه نیست؟

«چه کسی می‌تواند بگوید خانی که حجاب ندارد، عقیفه نیست؟» این یکی از جملات پر تکرار افروغ بود که در بیشترین اظهار نظرهایش درباره حجاب شنیده می‌شد. به گفته او اجتناب از داوری‌ها در این باره ضرورت داشت تا زنان و مردان خودشان متوجه شوند که اگر با حجاب باشند هم زیباترند هم کریم‌تر و هم ارزشمندتر و هم به لحاظ ارزش فرهنگی جامعه، مقبول‌ترند و قدرت کلام و نفوذ کلامشان بیشتر است. تأکید او رعایت حجاب بدون برخورد سلبی اما نکث آن بود و تأکید می‌کرد که نمی‌شود با استفاده صرف از قانون‌های سلبی و بدون توجه به قانون‌های ایجابی و فرهنگ‌سازی ضروری و کرامت بخشیدن به انسان شاهد نشر حجاب بود. از نگاه افروغ در کنار بحث قانون حجاب که کسی هم منکر قانونی بودن، ضروری بودن، فرهنگی و تاریخی بودنش نیست اما قوانین ایجابی هم زیاد وجود دارد که به قوانین حجاب کمک می‌کنند؛ مثل مد و لباس، تسهیل از دواج جوانان و بحث عدالت اجتماعی. اینکه به این امور توجه نشود اما توقع نشر حجاب وجود داشته باشد.

ذبح تشیع علوی پیش پای تشیع صفوی

افروغ دی ۹۰ و در آستانه انتخابات مجلس تأکید کرد که مجلس امروز ایران نیازمند حضور نمایندگان مستقلی است که با هدف ترویج گفتمان انقلاب، آزادانه سخن بگویند. او صراحتاً اعلام کرده بود که «به خاطر نگرش سطحی برخی مسئولان، به تدریج روح و محتوا، فدای شکل شده و وجه سخت‌افزاری تمدن و طولی و حضور تاریخ بر وجه نرم‌افزاری فرهنگ و عرصه و غیاب تاریخ غلبه پیدا کرده است و حالا در شرایط حساسی به سر می‌بریم که خواسته و ناخواسته جریانی می‌کوشد به تعبیر مرحوم شریعتی، تشیع علوی را پیش پای تشیع صفوی، به اسم تشیع علوی، ذبح کند.» به اعتقاد او وابستگی به منابع قدرت سیاسی و اقتصادی دولتی، برای کاندیداهای مجلس خطرناک و فسادزاست و نبود وابستگی نمایندگان به کانون‌های قدرت و ثروت، ارائه نظرات و دیدگاه‌های متنوع و نقادانه در فضای آزاد و از زبان نمایندگان مستقل و غیر وادار به جریانات مشکوک، منحرف، سلفی و فرصت‌طلب را امری ضروری و اساسی خواند. یکی از نکات مهمی که افروغ به آن اشاره داشت این بود که منابع قدرت و ثروت در ایران به انحصار مختلف، ریشه در نهادهای رسمی و دولت‌ها دارند؛ هر چند نباید از برخی کانون‌های ثروت و قدرت که در خارج از کشور بوده و با سیاست‌های مداخله جویانه، افکار ننگینی در سر دارند نیز غافل شد.

